

## کانسپچوال

سعید سعیدی

چالش‌ها و رویکردها

تعریف هنر جدید

شاید بتوان گفت که همه‌ی هنرها متضمن وجهی

جدید است. اگر فاقد این خصیصه باشد هنر نیست. جدید بودن، شرط کافی نیست که چیزی را تبدیل به اثر هنری کند، اما ضروری به نظر می‌رسد. اگر هنری، جدید نباشد باز تولید اندیشه و دستاوردهای گذشته است. تکرار و باز تولید هنر گذشته، بدون هیچ قصد و غرضی می‌تواند صنعت باشد. رجوع آگاهانه به یک معنا و یا سنت تصویری گذشته و ایجاد یک معنا در بستری جدید می‌تواند هنری جدید باشد. واژه‌ی جدید در هنر جدید یک توافق خواسته یا ناخواسته است. توافقی که اشاره و رجوع به وجهی است در مقابله با هنر نو (مدرن) و یا سنت. این توافق درون مرزی همانند تفاوتی است که بین نگارگری و نقاشی هست اگر چه ترجمه‌ی این دو واژه ممکن است برای مخاطب خارجی یکی باشد. از این رو این

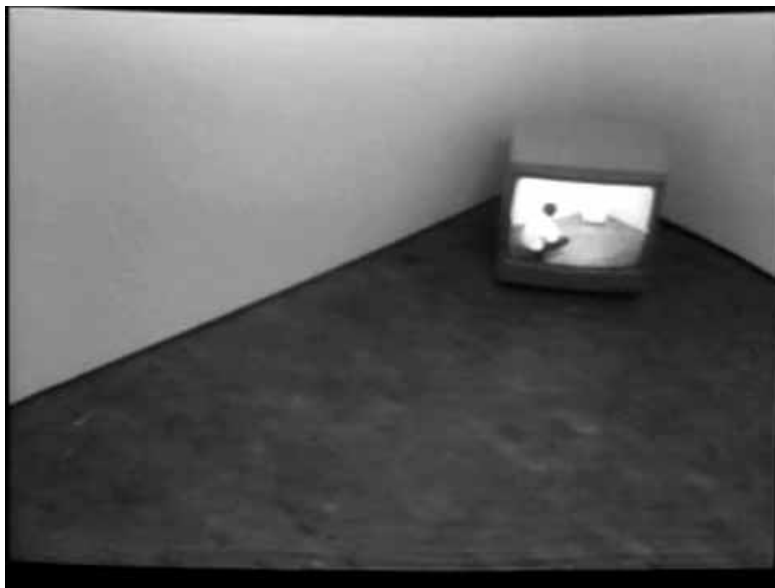


طراحی می‌شود. فضای پیرامون اثر باز بودن یا بسته بودن، تاریک بودن یا روشن بودن، سکوت یا همه‌همه، بودار بودن و ... در شکل‌گیری معنی اثر هنری تعیین‌کننده است.

در هنر جدید بسیاری از هنرها را توأم می‌بینیم و یا این که بسیاری از هنرها با هم ادغام شده و فنون اجرایی جدیدی مثل هنر چندرسانه‌ای و چیدمان ویدئویی شکل گرفته‌اند. در بسیاری از موارد فن‌آوری‌های جدید به صورت چند رسانه‌ای و شبکه‌ای در فرایند شکل‌گیری اثر هنری دخالت دارد. گونه‌های مختلف هنر جدید در ایران از منظر رویه چیدمان، هنر ویدئو، چیدمان ویدئویی، چیدمان عکس، هنر اجرا، هنر محیطی هنر چند رسانه‌ای و شبکه هستند.

### تاریخ هنر جدید در جهان و ایران

این جریان هنری در جهان و ایران دارای سابقه‌ای نسبتاً طولانی است. در اروپا و آمریکا از دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ به شکل فراگیری انواع هنرهای جدید بروز کردند. در دهه‌ی هشتاد به دلیل بازگشت به سنن گذشته تا حدودی حضور هنرهای جدید کمرنگ شد. امروزه پس از گذشت چند دهه هنر مفهومی (کانسپچوال) نه به عنوان یک هنر جدید بلکه به عنوان یکی از جریان‌های مرسوم رایج است. اما باید توجه داشت هنر مفهومی جدید ویژگی‌های خاص خود را داراست. از دهه‌ی ۹۰ این هنر با شدت بیش‌تری رواج یافت. رجوع به نوعی زیبایی‌شناسی در کارهای مفهومی، و استفاده از فن-آوری‌های امروزی که در گذشته و در بدو شروع این جریان چندان مرسوم نبودند آن را متحول و با نیازهای امروزی منطبق ساخت. سابقه‌ی هنر مفهومی در ایران به سال‌های قبل از انقلاب اسلامی بر می‌گردد. بسیاری از هنرمندان در قبل از انقلاب با استفاده از اشیاء آماده، چیدمان



در این هنر احتمال استفاده از اشیاء آماده وجود دارد. از ویژگی‌های دیگر این هنر این است که در بعضی از موارد میرا و غیر مانا هستند. معمولاً مخاطب توسط اثر احاطه می‌شود و به درون اثر می‌رود. حضور مخاطب و دخالت او در چگونگی اثر و سرنوشت غائی اثر را شکل می‌دهد. در نتیجه هنرمند فراهم آورنده‌ی بستری برای به وجود آوردن یک معناست. در هنر جدید معمولاً فضای نمایشگاه توسط هنرمند

واژه بیش‌تر مصرف بومی دارد تا بین-المللی. هنر جدید در ایران به تأثیرات انواع گونه‌های متفاوت هنرهای غیرمعارفی اطلاق می‌شود که پس از هنر مینیمال در غرب و آمریکا شکل گرفته‌اند. این تأثیرات در بستر فرهنگی ایران ویژگی‌های بومی کسب کرده‌اند. این نوع هنر که سنتی‌ترین شکل آن هنر مفهومی است دارای ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاصی است.

ترتیب دادند. در سال‌های اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و دوران جنگ تحمیلی به دلیل رواج پیدا کردن نقاشی تعینی با مضامین سیاسی، اجتماعی و مذهبی این جریان هنری حضورش کم‌رنگ شد، اما هیچ وقت ناپدید نشد.

البته در یک حوزه وسیع‌تر و جهانی در دهه‌ی ۸۰ حملات وسیعی علیه هنر مفهومی به وجود آمد و گمان می‌شد که دیگر دوره تاریخی آن به پایان رسیده است.

در سال‌هایی که نقاشان ایرانی برای دست‌یابی به یک هویت به سنن گذشته توجه داشتند (بین سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۳) و یا در دوره‌ای که بسیاری از هنرمندان، هنر انتزاعی را نوعی هنر امروزی تلقی

می‌کردند (بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸) نمونه‌های هنر مفهومی و جدید کم بود. گاهی به صورت پراکنده هنرمندان دست به تجربیاتی زدند که با تعریف یاد شده در چارچوب هنر جدید قرار می‌گیرد. اولین گام‌های توجه جدی به هنر جدید از سال‌های ۱۳۷۲ و توسط نسل جوان و در محافل غیر موزه‌ای صورت گرفت. این حرکت بیش‌تر در اماکن غیر متداول برای نمایش اثر هنری و نگارخانه‌ها آغاز شد. و خواست عمومی نسل جوان و تمایل دست‌اندرکاران موزه هنرهای معاصر و حمایت مالی آنان منجر به شکل‌گیری سه نمایشگاه شد.

یکی از وقایع هنری مهم که در سال ۱۳۸۰ در ایران به وقوع پیوست برگزاری اولین نمایشگاه هنر مفهومی

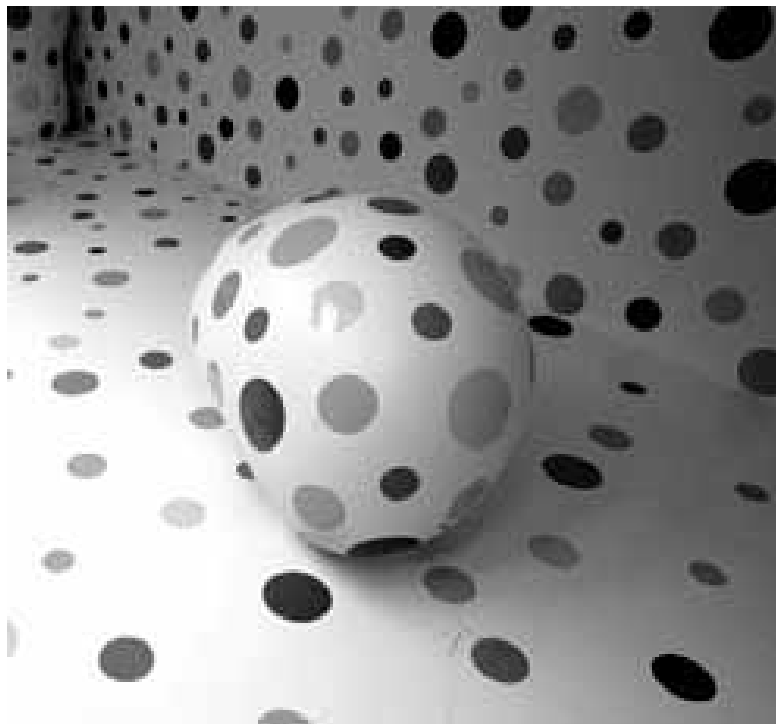
در موزه هنرهای معاصر تهران بود. این نمایشگاه در دوم مرداد ماه ۱۳۸۰ افتتاح و تا تاریخ ۱۹ مهرماه همان سال ادامه یافت. هنر مفهومی عنوان مناسبی برای کارهایی از این دست نبود. زیرا بسیاری از آثار با عنوان نمایشگاه، سازگاری نداشت. در این نمایشگاه آثاری ارائه شد که ساختار مینیمال، کانسپچوال و یا به صورت اجرا پرفورمنس و حتی لندآرت داشت اما بسیاری از آثار موجود در این نمایشگاه دارای ویژگی‌هایی بود که آن‌ها را در حوزه هنر امروز جهان قرار می‌داد و در کنار آن دارای ویژگی‌های بومی بود که به آن‌ها هویت می‌داد و این ویژگی‌ها کمتر در ادوار گذشته و دیگر نقاط جهان سابقه داشته است.

به دلیل نامناسب بودن نام مفهومی برای نمایشگاه، دومین نمایشگاه با عنوان هنر جدید در موزه هنرهای معاصر برپا شد. در دومین نمایشگاه، استفاده بیش‌تری از فن‌آوری‌ها صورت گرفت و بسیاری از آثار تقابل و همراه بودن سنت و نوگرایی را موضوع خود قرار داد.

### دلایل رشد هنر جدید

در یک گستره جهانی شکل تحول یافته و امروزی هنر مفهومی در مقایسه با مدرنیسم کلاسیک که غالباً هنری انتزاعی بود، این قابلیت را دارد که در خدمت مفاهیم و فکر قرار گیرد. برخلاف مدرنیسم که یکسان شدن هنرها پیامدش بود، هنر جدید در پس یکسان شدن زبان فرهنگ‌ها می‌تواند گوناگونی را به نمایش بگذارد. شاید یکی از دلایل فراگیر شدن و تداوم هنر مفهومی این باشد که به واسطه‌ی استفاده از هنرهای مختلف هنرمندان بسیاری را مجذوب خود کرده است. هنرمندان جوان در هر جای دنیا تمایل دارند که مفاهیمی را به صورت چیدمان و با استفاده از اشیاء آماده ارائه دهند.

بسیار شنیده‌ایم که در نقدها افرادی معتقدند که جریان کانسپچوال مربوط به دهه‌ی ۶۰ یا ۷۰



میلاادی است و زمان آن سپری شده است. باید یادآور شد که نه تنها دست-اندرکاران این نمایشگاه بلکه تمامی هنرمندانی که در جهت ایجاد آثار هنری در این زمینه‌ها گام برمی‌دارند اگر اطلاعاتشان بیش‌تر از نقادان این جریان نباشد کمتر نیست. روی آوردن بسیاری از هنرمندان به این جریان، صرفاً پیروی از یک جریان فکری نبوده است بلکه استفاده از قابلیت‌هایی است که تحول هنر فراهم آورده است و آن‌ها با استفاده‌ی شخصی از آن، از تأثیر گذاری‌اش استفاده کرده‌اند.

برای مثال چیدمان یک امکان است که بیش‌تر در سده‌ی بیستم شکل گرفته است و در نیم قرن اخیر به کرات استفاده شده است اگر به صرف این که در یک جا استفاده شده است نتوان در آن بستر نوآوری کرد، بسیاری از هنرها دچار اشکال خواهد شد. چه کسی می‌تواند ادعا کند که، چون پیدایش عکاسی، سینما یا فنون نقاشی مربوط به گذشته است دیگر برای بیان مفاهیم نباید از آن‌ها استفاده کرد؟

نوآوری در طول تاریخ هنر، محدود به روی آوردن به ابزار جدید و شیوه‌های بیان نبوده بلکه، در بسیاری از موارد شاهد آن بوده‌ایم که با استفاده از رویه‌های موجود و ادغام آنان با شیوه‌های جدید، منجر به تحولاتی شده که آن را از حرکت آغازینشان متمایز نموده است.

شاید گفته شود که چون فکر اولیه این حرکت در چند دهه قبل در جایی شکل گرفته است چندان خلاقانه نیست. اما به راستی کدام حرکت هنری در جهان مستقل از جریان‌های پیشین خود بوده و بدون این که از تجربه‌های هنری سایر ملل استفاده کند شکل گرفته است. آن چه که به یک جریان هنری ارزش و اعتبار می‌بخشد سرانجام متمایز و منحصر به فرد آن است نه ریشه یا پیشینه‌ی آن.

پاره‌ای از مخالفان هنر جدید سعی می‌کنند که

بگویند هنر جدید همان هنر مفهومی است و هنر مفهومی همان کانسپچوال است و هنر کانسپچوال همان جریانی است که در اواخر دهه‌ی ۶۰ روی داد. اما بیان این مسئله به گونه‌ای دیگر نیز ممکن است و آن این است که: هنر جدید با هنر مفهومی متفاوت است و هنر مفهومی ایرانی با کانسپچوال امروزی متفاوت است و کانسپچوال امروزی با کانسپچوال دهه‌ی ۶۰ و ۷۰ میلاادی نیز متفاوت است.

تفاوت هنر جدید با هنر مفهومی در این است که هنر جدید بیشتر با استفاده از رسانه‌ها به وجود آمده است، منظور از رسانه‌ها تلویزیون، ویدئو، کامپیوتر و اینترنت است. در نمایشگاه هنر جدید، زیبایی‌شناسی نیز حضور دارد و بعضی از آثار، دارای یک ساختار و ترکیبی تزیینی بود.

اما هنر مفهومی بیش‌تر به اشیاء آماده و چیدمان در فضا و یا حذف زیبایی‌شناسی بها می‌دهد. آنچه که پیشگامان هنر کانسپچوال بیش‌تر استفاده می‌کردند مثل عکس و اشیاء آماده بود در کار آن‌ها رسانه‌های امروزی به این صورت حضور نداشت.

### ویژگی‌ها و رویکردهای هنر جدید

هنر کانسپچوال غربی بیش‌تر در صدد معرفی فکر مجرد به عنوان هنر بود و این نوعی مقابله با زیبایی‌شناسی بوده است. اما فقط بعضی از آن‌ها این تعهد را داشتند که مفهوم و معنی را برای مخاطب شفاف سازند. مفهوم و معنی دار بودن غالباً با شناخت جهان بینی هنرمند مقدر بوده است. در حالی که در ایران الزاماً این گونه نبوده است. مفهومی بودن در ایران بیش‌تر به معنی پیام‌داشتن ادبی یا اخلاقی خود اثر است و یا نمادین بودن و تمثیلی بودن آن. از این رو در ایران، هنر جدید بیش‌تر در صدد است پیام اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و یا عرفانی داشته باشد. به همین دلیل از استقبال مردمی بیش‌تری برخوردار

است و یا حداقل مردم عادی با بسیاری از این نوع آثار ارتباط برقرار می‌کنند و یا آن را دوست دارند. این در حالی است که عامه‌ی مردم در ایران از مدت‌ها قبل تمایلی به پی‌گیری رویدادهای هنر مدرن آن هم از نوع آبستره نداشتند، چرا که از دید آنان فاقد پیام بود. هنرهای جدید معمولاً مسائل فرهنگ‌های بومی و سنتی را همانند آینه‌ای به نمایش می‌گذارد. بسیاری از هنرمندان نیز در چند سال گذشته به مضامین فرهنگی و سنتی ایرانی پرداخته‌اند. از نظر مفاهیم آثار هنر جدید دارای چنین دسته‌بندی هستند: زیبایی-های سنن ایران و دلتنگی نسبت به آن، معنویت، عرفان اسلامی، نمادهای مذهبی، تمدن ایرانی اسلامی، میراث از دست رفته، فضای شاعرانه.

در این آثار بسیاری از عناصر نمادین وجود دارند که ریشه‌ی عمیقی در فرهنگ ایرانی دارند. این عناصر شامل نذر، دخیل، فال، آینه، ماهی، پنجه و تیغه، شمشیر و کبوتر ... است.

جامعه‌ی ایران امروز تماماً سنتی نیست. در مقابل، آثاری در نمایشگاه‌های هنر جدید ارائه شده‌اند که دغدغه‌ها و مسائل انسان امروز در یک گستره جهانی را مطرح می‌کند. این آثار اصراری بر هویت ملی و بومی ندارند. مضامین، فرهنگ مصرفی، فضا و زمان امروزی (ماشینی یا دیجیتالی)، پیامدهای فن‌آوری و رسانه‌ی امروزی و مسائل زیست محیطی است. اما عمده‌ترین مسئله‌ای که جامعه‌ی ایرانی با آن دست و پنجه نرم می‌کند تقابل و تعامل سنت و فرهنگ جدید یا نوگرایی است. این دو گاهی با هم غیر متجانس-اند و پیوندی ندارند و زمانی در کنار یکدیگر هماهنگ شده‌اند و گاهی علی‌رغم میل ما وجود دارند.

ویژگی بومی هنر جدید ایران محدود به مفاهیم نیست بلکه در شکل ارائه نیز دارای هویت است.

تلخیص و برگرفته : [www.apameh.com](http://www.apameh.com)